

کنسرت را بچسب!

اهدای ۷۰ مدال المپیاد به رهبری



IPC؛ زایشگاه گرست!

پخش آزمایشی شبکه امید

تیتراژهای امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با میگل لبتین سیاسی ترین کارگردان آمریکای لاتین
سینمای مبارزه راه بیندازیم
 کودتا تاریخ شیلی را نصف کرد
 سرمایه‌داری اجازه کودتا در آمریکا را نمی‌دهد
 بچه‌ها پشت دیوار اسرائیل دیده نمی‌شوند



نامه ۱۸ کانون دانشگاهی خط امام به سید حسن خمینی درباره اهانت‌های اخیر جریان نقاب به امام خمینی (ره)

پاسخ قاطع دهید

نعمت‌زاده در پاسخ به پرسش «وطن امروز»:

از ترکان پیر سید از زدن چه حرف‌هایی خجالت می‌کشد

نمایندگان مجلس و چهره‌های سیاسی به موضع عجیب روزنامه دولت روحانی درباره محاصره حلب واکنش نشان دادند

نفوذی‌ها در ایران!

روزنامه امروز

نگاه‌امروز

نهایت نفهمی و بی‌وجدانی روشنفکر نمای داخلی

امیر استکی



اول - داعش، جبهه النصره، احرار الشام... چه فرق می‌کند، اصولا ما برای همه آنها به یک اندازه مستحق آن هستیم که سر بریده شویم و به نظر نمی‌رسد برای‌شان خیلی فرق داشته باشد که ما اینجا در همین خردمان چه تفاوت‌هایی با هم داریم. قاعدا آنگونه که خودشان نشان می‌دهند فرقی نخواهد کرد یک ایرانی معمولی، حزب‌اللهی یا حتی روزنامه‌نگار روزنامه شرق یا ایران باشییم، بلکه آنها به صغیر و کبیرمان رحم نخواهند کرد. شاید آن روز‌های ابتدایی بحران سوریه می‌شد ولو اشتباه و به غلط - که امروز مشخص است اشتباه و غلط است - تحلیل‌هایی دیگر داشت ولی امروز به نظر نمی‌رسد شود از شر این دشمنان جدید و به معنای واقعی کلمه وحشی بدون زدن ریشه‌های‌شان در اطرافمان آسوده بود. متأسفانه اینگونه به نظر می‌رسد جز این راهی پیش روی ما نیست و خیار هر چند پرچالش و پرهزینه ولی به هر حال این راهی است که باید رفت.

دوم - بسیاری مواقع در برخورد با نحوه تحلیل و فهم مسائل سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی توسط روشنفکر نمایان وطنی، این نکته به ذهنم می‌رسد که گویا اینان بیشتر از آنکه بر اساس یک چارچوب فکری ایجادشده در بستر جهان‌زیست‌شان به مسائل بنگرند، با نوعی حالت انتظار تایید توسط جامعه جهانی - بخوانید چند کشور غربی و در رأس آنها آمریکا- مسائل را می‌فهمند و واکنش نشان می‌دهند. مثلا در ایام دانشجویی و در زمان یکی از حملات صهیونیست‌ها به نوار غزه بزرگ‌ترین واکنش یکی از تشکل‌های دانشجویی از همین قماش این بود که در اعتراض به پخش تصاویر کودکان کشته‌شده در تلویزیون، بیاتیه صادر کنند و به این مساله معترض باشند که پخش این تصاویر امنیت روحی و روانی کودکان ایرانی را مختل می‌کند و خوب که دقیق شویم می‌بینیم این واکنش از همان جنسی است که گفتیم و بالاخره تلاشی است برای یافتن یک راه برای تاختن به انقلاب اسلامی حتی در مساله‌ای که هیچ آدم باوجدانی نمی‌توانست موضعی جز حمایت از مظلومان در برابر آن داشته باشد.

ادامه در صفحه ۵

کاروان ایران با ۸ پله سقوط نسبت به دوره قبل در رتبه بیست و پنجم المپیک ایستاد

در حد اعتدال!

صفحه ۱۴



عکس: احمد خمینی / جم‌ایران

آقای چیت‌چیان! هدف وسیله را توجیه نمی‌کند

مهدی جوکار

۲- وزیر نیرو در بخش دیگری از این مصاحبه گفته است: «این شرکت (یونیت) در کشورهای مختلف دنیا در ترکیه، ایتالیا و چند کشور دیگر اروپایی مالک نیروگاه و دارای اعتبار است.» این بخش از اظهارات چیت‌چیان موجب تعجب اهل فن است، چرا که حسب اطلاعات مندرج در سایت اینترنتی شرکت یونیت اینترنتی، این شرکت خارج ترکیه دارای یک نیروگاه ۱۱۸ مگاواتی در ایتالیا و یک نیروگاه ۹ مگاواتی بادی در بلغارستان است و مجموعا حدود ۱۰۰۰ مگاوات نیروگاه عموماً در ترکیه، در مالکیت دارد. آیا این حجم اموال، یک شرکت واسطه دست‌اندر کار تجارت برق اهل ترکیه را برای کار مهندسی، احداث و اجرای نیروگاه در صنعت برق ایران صاحب صلاحیت می‌سازد؟ دست‌اندر کاران صنایع انرژی اطلاع دارند که برخی شرکت‌های لیبیایی هستند که از زمان معمر قذافی حتی در سوئیس صاحب پالایشگاه‌ها، یا شرکت‌های آفریقایی دیگری هستند که در اروپا صاحب نیروگاه یا شرکت‌های کوچک انرژی‌اند، آیا این تجهیزات، صنعت نفت لیبی یا شرکت‌های برق آفریقایی را برای احداث نیروگاه در اتحادیه اروپایی صاحب اعتبار و اهلیت کرده است؟ از سوی دیگر، آیا همین شرکت ترک حتی یک مگاوات پروژه در فقیرترین کشور شرق اروپا اجرا کرده است؟ آیا این استدلال‌های وزیر نیرو برای واگذاری بزرگ‌ترین پروژه نیروگاه خصوصی جهان به ظرفیت ۵ هزار مگاوات و با پیشرفته‌ترین ماشین‌های وارداتی و... آن هم به شرکتی که نه ظرفیت مهندسی دارد، نه ظرفیت احداث، نه سازنده تجهیزات است، نه دارنده فناوری و نه حتی خودش پول و منابع مالی لازم برای انجام این کار را دارد و همه اینها باعث شده است تا حتی سابقه یک مگاوات حضور در بالغ بر ۷۰ هزار مگاوات مناقصات نیروگاه‌های خصوصی در بازار منطقه خاورمیانه طی ۲۰ سال گذشته را نداشته باشد، هیچ اعتبار و مشروعیتی برای حضور در صنعت برق ایران می‌دهد؟ صنعتی که در آن شرکت‌هایی واجد ده‌ها برابر سابقه کار پیمانکاری نیروگاهی، دارای توان ساخت تجهیزات روزآمد، برخوردار از آخرین فناوری و... فعال و تشنه کار هستند.

۳- چیت‌چیان در بخش دیگری از این مصاحبه می‌گوید: «سرمایه‌گذار ترکیه‌ای نه تنها در ایران بلکه در ترکیه و کشورهای اروپایی نظیر ایتالیا خوشنام است!». این در حالی است که هر بیننده‌ای با جست‌وجو در سایت اینترنتی شرکت یونیت اینترنتی (که اطلاعات و اخبار این شرکت از سال ۲۰۰۹ تا به حال را در خود جا داده است) تنها با یک

کرده است و فعالیت‌های مهندسی و احداث را اساساً شرکت‌های دیگری انجام داده‌اند. همچنین وزیر نیرو در صورتی که از همان همکاران سوال کند پاسخ خواهد شنید در سال‌های پایانی جنگ، به دلیل تحریم‌های نوشته و نانوخته (یا به تعبیر سپاه‌براه، تحریم‌های روی کاغذ و تحریم‌های پشت‌پرده)، اساساً شرکت‌های خارجی در صنعت نیروگاهی کشور نداشتند که یونیت بخواهد یکی از آنها باشد. لذا تطهیر قرارداد در دست انعقاد وزارت نیرو با شرکت یونیت اینترنتی نشان دهنده آن است که باید باشد! اما زمانی نگرانی درباره اظهارات وزیر نیرو به اوج خود می‌رسد که ایشان در بخشی از این مصاحبه می‌گوید: «تمام ایراداتی که برخی رسانه‌ها به این قرارداد و اعتبار شرکت ترکیه‌ای وارد می‌کنند انتقاداتی بی‌اساس است، چرا که این شرکت در سال‌های جنگ تحمیلی ایران و عراق برای ایران ۵ نیروگاه بزرگ با بهترین کیفیت آن زمان ساخته است. چطور می‌شود شرکتی ۲۸ سال پیش بتواند برای ما نیروگاهی بسازد که هنوز کارآمد است اما اکنون توان انجام این طرح را نداشته باشد؟» البته سابقه حضور آقای چیت‌چیان در وزارت نیرو آنقدر نیست که شخصا سابق شرکت یونیت اینترنتی نشان را به‌خاطر بی‌اورد اما در صورت استعمال از همکاران باسابقه در شرکت توانیر که بر فعالیت‌های این شرکت ترکیه‌ای نظارت کرده‌اند مطلع خواهد شد شرکت یونیت اینترنتی نشان از سال ۱۳۶۹ به عنوان پیمانکار دست‌مرد شرکت‌های ماریون و اوستوم وارد صنعت برق ایران شده و تا سال ۱۳۷۴ طی ۲ قرارداد تعدادی توربین گازی از نوع GEF9 برای نیروگاه‌های منتظر قائم، شرعیتی، خوی، شهید رجایی، نیشابور و فارس صرفاً تامین تجهیزات

www.vatanemrooz.ir

شرکت آب و فاضلاب روستایی استان ایلام

آگهی مناقصه عمومی خدمات آبرسانی سیار شهرستان های ایلام

شرح در صفحه ۵

۷۰۲

اشتباه‌نگیند کشایش ایجاد شده!

مهدی محمدی

بازگشت به گذشته همیشه هم چیز خوبی نیست و در برخی موارد حتی می‌تواند مضر هم باشد. درباره برجام اما اگر این نکته را در نظر



بگیریم که هدف اصلی آن خلق یک تجربه جدید برای ایرانیان بوده، بازگشت به گذشته اتفاقاً روش بسیار مفیدی است. این کار زمانی جذاب‌تر می‌شود که براساس اطلاعات فعلی خود، گذشته را بازخوانی کنیم؛ اطلاعاتی که وقتی فلان دسته رویدادهای خاص در گذشته رخ می‌داد در اختیار هیچ کس نبود.

۳ حقیقت مهم درباره برجام هست که من می‌خواهم اینجا در پرتو اطلاعات جدیدی که در اختیار داریم درباره آنها صحبت کنم. این ۳ حقیقت می‌تواند تجربه اعتمادناپذیری آمریکا را که اکنون بدل به یک فرهنگ فراگیر در محیط افکار عمومی ایران شده و همچنین تجربه قابل حل نبودن مشکلات از طریق تعامل و توافق با آمریکا را - که عده‌ای همچنان در مقابل آن مقاومت می‌کنند - هم تکمیل کند و هم برخی نتایج عملیاتی را از آنها بیرون بکشد.

۱- اکنون می‌دانیم - و در کوران توافق هسته‌ای نمی‌دانستیم - که دولت آمریکا برای حصول توافق به عده‌ای در داخل و خارج از آمریکا پول پرداخت کرده است. به عبارت دقیق‌تر می‌دانیم در کاخ سفید یک اتاق پژواک وجود داشته که به افراد حقیقی و حقوقی مختلف مبالغی بعضاً کلان پرداخت کرده تا به نفع توافق لابی کرده و آن را قابل قبول جلوه بدهند. از این مهم‌تر، می‌دانیم در آمریکا بخش خصوصی نیز برای برجام پول هزینه کرده است. به عنوان نمونه، منابع غربی اسناد مهمی منتشر کرده‌اند که

تردیدی باقی نمی‌گذارد شرکت بوئینگ یکی از حامیان مالی توافق بوده است. برخی از آنها که این پول‌ها را گرفته‌اند ایرانیانی هستند که دولت آقای روحانی آنها را لابی ایران در آمریکا می‌خواند. قضاوت در این‌باره دشوار نیست که وقتی قرار است کسی لابی کند قاعدتاً به نفع طرفی لابی می‌کند که از آن پول گرفته و صرف ایرانی بودن او نمی‌تواند چیزی را در این معادله تغییر بدهد اگر نگوییم وضع را به ضرر ایران بدتر هم می‌کند. سوال اصلی این است: کاخ سفید چرا باید برای حصول و جا انداختن یک توافق پول خرج کند و ایرانیانی که با این پول‌ها فریب شده‌اند، اکنون به دنبال لابی برای چه توافقی‌های دیگری هستند؟ اساساً لابی ایرانی که دست‌مزد خود را از کاخ سفید می‌گیرد، بهتر است چه چیزی نامیده شود: نفوذی یا دوست و همکار؟

۲- مساله اول، به سرعت ما را به موضوع دوم و مهم‌تری می‌رساند و آن اینکه شاید اساساً از ابتدا به اشتباه تصور می‌کرده‌ایم برجام قرار است برای ملت ایران گشایش اقتصادی ایجاد کند. در پرتو اطلاعات جدید، شاید درست‌ترین است که بگوییم برجام بخشی از یک تجارت میان ۲ گروه خاص در ایران و آمریکا بوده و برای آنها که باید گشایش ایجاد می‌کرده، ایجاد کرده است. مثلاً اگر بوئینگ برای توافق با ایران هزینه کرده، جایز‌شاه را هم گرفته و با واسطه یا بی‌واسطه یکی از اصلی‌ترین طرف‌هایی بوده که از توافق منفی برده است. یا برخی «تاجر- دیپلمات‌های ایرانی را می‌شناسیم که کسب‌وکارشان بر اثر برجام رونق یافته و فریبند یافته، طوری که اکنون حتی نیازی نمی‌بینند سسری به ایران بزنند، از این منظر، برجام اساساً - و در یک سطح - یک توافق میان ۲ الیت خاص و بسا هدف تامین برخی منافع خاص بوده، بنابراین بی‌معناست از آن توقع داشته باشیم نفعی به عموم ملت ایران برساند. از یک دیدگاه راهبردی‌تر، برجام اگر هم قرار بوده آبی زیر پوست کسی بدواند، همان بخش خصوصی غیرانقلابی را مدنظر داشته که بناست به تعبیر اسناد امنیتی در آمریکا خرج پروژه تغییر در ایران را بدهد و توده‌های محروم و منتظر ایرانی از همان آغاز جایی در این معامله نداشته‌اند.

۳- و از اینجاست که یک نتیجه بزرگ‌تر می‌توان گرفت. من پیش از این بارها گفته‌ام که برجام بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر یا به عبارت دقیق‌تر، تکه‌ای از یک پازل غول‌پیکر است که بقیه اجزای آن یا چیده شده و دیده نمی‌شود یا پنهانی در حال چیده شدن است یا در تدارک هستند که در آینده نزدیک چیده شوند.

ادامه در صفحه ۵